

برخی کتاب‌ها سال‌هاست در صف انتظار ساخت اثر سینمایی و یا سریال مانده‌اند

زیر خط اقتباس



محمدحسین سلطانی خبرنگار

روز گذشته مطلبی را منتشر کردیم با عنوان «امپراتوری ۲۸۳ میلیون نفری» و به ۱۰ سریال پربیننده نتفلیکس در سال ۲۰۲۴ پرداختیم. در میانه بررسی این سریال‌ها به نکته‌ای جالب توجه برخورد کردیم. از ۱۰ سریال برتر نتفلیکس ۴ تا از آن‌ها اقتباس از رمان‌های مطرح است. در روزگاری که سینما و سریال‌های ایرانی را به ندرت می‌توان اقتباسی یافت، عدد ۴۰ درصدی اقتباس در نتفلیکس برای ما بسیار عجیب به نظر آمد. با دیدن این آمار این به ذهنمان رسید که شاید این وضعیت در باقی پلتفرم‌ها متفاوت باشد. سراغ hbo رفتیم. وضعیت مانند نتفلیکس بود و حدود ۵۰ درصد از آثار اقتباسی. این وضعیت در باقی پلتفرم‌ها مثل دیزنی، آمازون پرایم و سایرین هم همینطور است. آثار اقتباسی حداقل ۵۰ درصد بازار را به دست گرفته‌اند. برای مخاطبی که تنها بیننده این سریال‌هاست چندان

آثاری که منتظر تصویرند

«**زمستان ۶۲**»، **اسماعیل فصیح**

حوالی سال‌های ۶۶ بود که «زمستان ۶۲» را اسماعیل فصیح منتشر کرد. کتاب فصیح به قدری تصویری بود که توانست بهمن فرمان‌آرا را برای نوشتن فیلمنامه‌اش ترغیب کند. بهمن فرمان‌آرا فیلمنامه زمستان ۶۲ را نوشت، فرمان‌آرا درباره این کتاب می‌گوید: «باید اقرار کنم که آشنایی من با نوشته‌های آقای فصیح با زمستان ۶۲ شروع شده است و بعد بقیه را خواندم. ولی اولین داستانی که من از ایشان خواندم زمستان ۶۲ بسیار بسیار تجربه تکان دهنده‌ای بود.» آنچه فرمان‌آرا از آن به عنوان تجربه‌ای تکان دهنده یاد می‌کند، توانسته بود در حوالی دهه ۷۰، فصیح را محبوب کتاب خوانان کند. کتاب محبوب آن روز‌ها به قدری روی فرمان‌آرا اثر گذاشته بود که او یکی از دلایل بازگشتش به ایران را ساختن این فیلم می‌داند: «می‌خواستم آن را فیلم کنم. برای من ممکن بود که در فضایی مشابه فضای ایران، آن را در خارج ایران هم بسازم. ولی همیشه تصمیم من این بوده که راجع به ایران در خارج از ایران فیلم نسازم. یکی از علایق و دلایلی که من برگشتم که در ایران بمانم و فیلم بسازم در واقع عشق ساختن زمستان ۶۲ بود.» آنتور که او می‌گوید طرح ساخت اقتباس از این کتاب را همراه با دو اثر دیگر از اسماعیل فصیح یعنی داستان جاوید و پاد کهن را برای ساخت به ارشاد داده و هر سه اثر رد شدند. با این حال هنوز منتظریم که آیا کسی دوباره برای ساخت این آثار اقدامی می‌کند؟

«**روی ماه خداوند را ببوس**»، **مصطفی مستور**

مردی که قصه‌هایش در ذهن مخاطبان، درست مانند سریال است. این گزاره را بی‌چون و چرامی توان درباره کتاب‌های «روی ماه خداوند را ببوس» و باقی آثار مستور مطرح کرد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیلی که کتاب‌های مستور را تا این اندازه تصویری و مناسب برای سینما و سریال‌سازی کرده و از زبان خودش می‌توان فهمید «وقت نوشتن در آنچه‌که می‌خواهم بگویم، به مخاطب فکر نمی‌کنم اما در «چگونه گفتن» اولویت مخاطب است. اهمیت «چگونه گفتن» در آثار مستور باعث شده تا این کتاب‌های مستور به خصوص این کتاب به عنوان آثار مناسبی برای به تصویر در آمدن شناخته شود. البته ایده اینکه از رمان‌های مستور اقتباسی انجام شود قبل‌تر به ذهن پرهوز شعبیی

هم تفاوتی نمی‌کند که فیلم‌ها از کتاب باشد یا اخیر اما نباید این نکته را فراموش کرد، ساختن آثار بر پایه کتاب تأثیری چند جانبه بر صنعت نشر دارد. شاهد مثالش را هم در کشور خودمان و در سریال طوبی دیدیم. طوبی که پخش شد، کتابی که از آن اقتباس شده بود، یعنی اربعین طوبی هم فروشش چند برابر شد. این موضوع که در ایران اتفاق جدیدی است اما در خارج از ایران چندان هم موضوعی عجیب و غریب نیست. ساخت یک اثر بر اساس یک کتاب، فروش آن کتاب را بالا می‌برد.

البته این تنها اثری نیست که اقتباس کردن روی صنعت انتشار می‌گذارد. وقتی نویسنده‌ها بدانند که آثارشان به فروش می‌رود، به طور مشخصی در نوع تصویرسازی آثارشان اثر می‌گذارد و کتاب‌ها مناسب ساختن اثر سینمایی و یا سریال نوشته می‌شوند. حالاکه سریال‌های ایرانی پایشان به ترکیه و دیگر کشورهای منطقه باز می‌شود اقتباسی بودن آن آثار برابر است با ترجمه آن آثار و چند برابر فروش آن کتاب در کشورهای خارجی. همین موضوع باعث می‌شود ادبیات ایران در جهان دیده شود. اتفاقی که همین چند سال قبل

خورده و او در فیلم «بدون فرار قبلی» با اثر کوتاه «بهترین شکل ممکن» برداشتی آزاد انجام داد و به عنوان اولین اثر اقتباس شده از مصطفی مستور لقب گرفت. با این حال هنوز کسی سمت آثار بلند مستور نرفته است و به نظر باید برای اقتباس از آثار مستور هنوز صبر به خرج داد.

«**دارالمجانین**»، **محمدعلی جمال‌زاده**

«این رمان که توسط شورای اقتباس ادبی بنیاد سینمایی فارابی پس از ارزیابی به تصویب رسید، پس از توافق با مؤسسه هدایت فیلم به یک فیلم سینمایی تبدیل خواهد شد.» این خبر برای سال ۸۶ است. به نظر همین چند جمله برای اینکه بگویم چه اتفاقی برای اقتباس از «دارالمجانین» جمال‌زاده افتاده، کافی است. جمال‌زاده به عنوان معدود نویسندگانی که در جایزه‌های ادبی بین‌المللی حضور داشته، اقتباس نشدن از آثارش نشان از کم‌لطفی سازندگان فیلم و سریال در ایران دارد. حالا باید دید اثری که نزدیک به ۲۰ سال است فارابی اقتباس آن را خریده، آیا تبدیل به اثری سینمایی می‌شود یا خیر.

«**مدیر مدرسه**»، **جلال آل احمد**

در همان سال‌هایی که اقتباس دارالمجانین خریداری شد، اقتباس مشهورترین اثر جلال آل احمد هم مورد توجه قرار گرفت. «مدیر مدرسه» جلال‌که به عنوان یکی از متفاوت‌ترین تاریخ معاصر ایران شناخته می‌شود، ساخته شدنش می‌تواند اتفاقی مهم و قابل توجه در ساخت آثار سینمایی و با حتی سریال‌سازی باشد. اثری که آل احمد، سبکی را به مردم آن زمان شناساند که در نوع خود بدیع بود. با این حال، مدیر مدرسه هم در لیست اقتباس‌های ساخته نشده فارابی خاک می‌خورد لیستی که نام‌های بزرگ و متعددی در آن دیده می‌شود.

«**چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم**»، **زویا پیرزاد**

کتاب زویا پیرزاد پیش از آنکه بخواهد توسط فیلم یا سریالش به خارج از کشور برود خودش پیش قدم شد و به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی ترجمه شد. کتاب پیرزاد تاکنون بیش از ۱۶۰ بار تجدید چاپ شده است. کتابی که توانسته بود جایزه‌های ادبی پیدا، جایزه بنیاد گلشیری و جایزه کتاب سال را از آن خود کند. با این حال هنوز اقتباسی از این

برای کتاب‌های هوشنگ مردای کرمانی در ترکیه افتاد. باپخش قصه‌های مجید و خمره در ترکیه کتاب‌های مردای کرمانی هم دیده شدند و خمره به زبان ترکی ترجمه شد. نکته جالب اینجاست که همین دیروز هم قصه‌های مجید به قزاقستان به زبان قزاقی هم ترجمه شد.

البته اگر بخواهیم به مهم‌ترین دلیل به اقتباس در آثار تصویری اشاره کنیم، کافی است نگاهی به وضعیت فعلی سریال‌ها و فیلم‌های کشورمان نگاهی بیندازیم. فیلم‌ها و سریال‌هایی که این روز‌ها در کشور در حال پخش هستند به طور مشخصی مشکل قصه و روایت دارند. مشکلی که در آثار تلویزیونی و حتی سینمایی کاملاً مشهود است. مثال بارز این موضوع در جشنواره فجر چهل و دوم قابل دیدن بود در بخش سودای سیمرخ جشنواره چهل و دوم حتی یک اثر هم اقتباسی نبود. نکته جالب اینجاست که چندان زمانی از تشکیل شوراهای اقتباس در سیما فیلم و فارابی نمی‌گذرد اما با این حال نتیجه این شورها‌ها شده جشنواره چهل و دوم و چهل و یکم که حتی یک اثر اقتباسی هم در سودای سیمرخشان پیدا نمی‌شود. اگر گمان می‌کنید که در

رمان انجام نشده، اثری که جذابیت آن کاملاًکشش تبدیل شدن به یک سریال را هم دارد.

«**قیدار**»، **رضا امیرخانی**

شاید برای کتاب خوانان جای تعجب داشته باشد که تاکنون هیچ اقتباسی از آثار امیرخانی انجام نشده. نویسنده‌ای که تنوع و تعدد آثارش زبان زد است و قیدارش از مهم‌ترین آثار او است. اثری که به گفته امیرخانی برداشتی آزاد از زندگی غلامرضا تختی است. قیدار، جوانمردی است که در پی گمنامی است؛ کسی که نماینده ارزش‌هایی است که اکنون دیگر وجود ندارد، ارزش‌هایی که نویسنده به گفته خود در پی زنده کردن آن است. این کتاب مشتمل بر ۹ فصل است که در هر فصل یک داستان از قیدار روایت می‌شود. با توجه به ۹ فصل بودن این رمان به نظر می‌رسد این کتاب ظرفیت تبدیل شدن به اثری سریالی را داشته باشد.

«**شطرنج با ماشین قیامت**»، **حبیب احمدزاده**

«شطرنج با ماشین قیامت» که نمایشی بر اساس رمانی به همین نام نوشته حبیب احمدزاده است در صدر ۱۴ نمایش برتر سال ۲۰۱۴ کانادا قرار گرفت. «این خبر شاید عجیب به نظر برسد که اثری پیش از آنکه در ایران تبدیل به فیلم یا سریال شود در خارج از ایران تبدیل به تئاتر شود. این را هم در نظر بگیرید که آن رمان موضوعش دفاع مقدس هم باشد. رمان حبیب احمدزاده که حتی کمیک استریپ آن هم منتشر شده تنها منتظر این است که تبدیل به اثری سینمایی و یا حتی سریال شود. اثری که به زبان‌های آلبانیایی، انگلیسی، فرانسوی و عربی ترجمه شده و جزء رمان‌های برتر قلم زرین سال ۸۵ و برنده جایزه ادبی اصفهان هم است.

«**نامیرا**»، **کریمخانی**

پروژه سینمایی «نامیرا» ازجمله آثار اقتباسی است که تولید اولیه آن از خرداد سال ۱۴۰۲ آغاز شد. این پروژه با کارگردانی شهریار بحرانی جلوی دوربین رفت و بعد از چندماه فیلمبرداری، بحرانی از کارگردانی آن کنار گذاشته شد و محمدحسین لطفی ادامه کار را برعهده گرفت. اثری که فیلمنامه آن را داوود میرباقری نوشته است. داستان عاشورایی نامیرا

نمایش خانگی یا تلویزیون وضعیت متفاوت است باید بگویم با بررسی ۳۰ اثر اخیر نمایش خانگی و تلویزیون تنها سه اثر اقتباسی می‌توان دید که هر سه آن‌ها هم برداشتی آزاد است و نه اقتباسی کامل و از این سه اثر تنها یکی از آن‌ها برداشتی از یک رمان داخلی است، این وضعیت یعنی، موضوع فقط به سینما محدود نمی‌شود و حتی جامعه سریال‌سازان هم چندان تمایلی به اقتباسی ساختن ندارد.

اینکه یک سازمانی باید باشد تا کارگردانان و نویسنده‌ها را به ساختن آثار و فیلم‌هایی که اقتباسی‌اند تشویق کنند، حرف جدیدی نیست اما یک سؤالی در این بین پیش می‌آید: آیا فقط نهاد‌ها و سازمان‌های دولتی فیلم‌سازان و سریال‌سازان راه اقتباس متمایل‌کنند. خود صاحبان آثاراز میان کتاب‌هایی که خوانند، تمایلی ندارد حتی یکی از آن‌ها را به تصویر بکشند؟ آیا هیچ کدام از آثار داستانی داخلی ظرفیت در آمدن در قالب فیلم و سریال را ندارند؟ پرسش آخر باعث شد تا ما در میان کتاب‌هایی که می‌توان از آن‌ها اقتباسی کرد سیری بکنیم و حدود ۱۰ نام را گلچین کنیم.

از کتابی به همین نام با نویسندگی صادق کریمیار گرفته شده است. خرداد امسال بعد از چندماه بی‌خبری از پروژه سینمایی نامیرا، دوباره محسن علی اکبری در گفت‌وگو با ایرنا از شروع این پروژه عاشورایی خبر داد و گفت: «نیمه اول این اثر سینمایی ساخته شده و این نیمه‌دوم کار است که آغاز می‌کنیم تا در اسرع وقت آن را به پایان ببریم و به جشنواره فجر چهل‌وسوم برسانیم.» حالا باید دید آیا نامیرا به جشنواره چهل‌وسوم می‌رسد؟

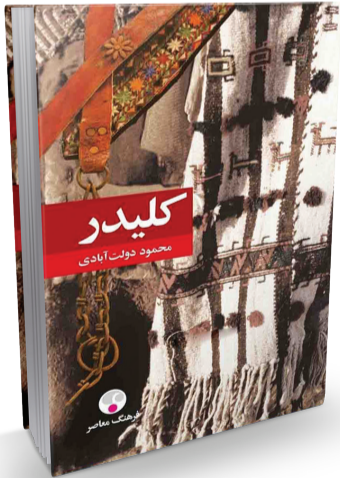
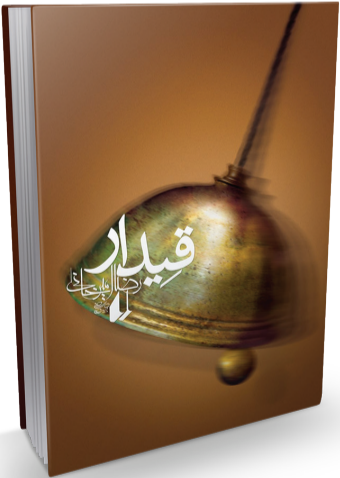
«**همسایه‌ها**»، **احمد محمود**

رمان «همسایه‌ها»ای احمد محمود به عنوان یکی از پرطرفدارترین آثار میان منتقدان محسوب می‌شود. از میان آثار محمود رمان «مدار صفر درجه» از آثاری است که از آن اقتباس سریالی موقفی توسط حسن فتحی انجام شده است اما هنوز اقتباس از آثار این نویسنده جای کار دارد.

رمان همسایه‌ها در ۵۲ صفحه داستان جوانی به نام «خالد» را پیش از کودتای ۲۸ مرداد و دوران نهضت ملی شدن نفت در شهر اهواز روایت می‌کند. خالد، همچنان که رمان پیش می‌رود از نوجوانی بی‌تجربه به فردی سیاسی تبدیل می‌شود. در این میان عشقش به دختر «سیه چشم»، او را در تنگنای انتخاب میان عشق و وظیفه می‌گذارد و عاقبت سر از زندان درمی‌آورد.

«**کلیدر**»، **محمود دولت‌آبادی**

وقتی صحبت از اقتباس از کتاب‌ها به میان می‌آید یکی از پرتکرارترین نام‌ها «کلیدر» محمود دولت آبادی است. کتاب دولت آبادی حتی بارها تا دم سینمایی شدن هم پیش‌رفته اما هنوز این اتفاق رخ نداده است. یکی از نزدیک‌ترین کارگردان‌هایی که می‌خواست فیلمنامه کلیدر را بنویسد کیانوش عیاری است؛ عیاری در مصاحبه درباره این علاقه گفته است: «من با آقای دولت آبادی صحبت کردم تا با اقتباس از «کلیدر» اثری بنویسیم و ایشان هم موافقت کرد اما تهیه‌کننده از نظر مالی با آقای دولت آبادی به توافق نرسید.» کلیدر با حدود ۲۸۰۰ صفحه لقب بلندترین اثر ایرانی را به خود اختصاص داده است؛ اثری که باید دید قرعه ساختن آن به نام چه کسی می‌خورد.



در انتظار

سازمان‌های سینمایی قرار گرفته است، اما هنوز برای ساخت آن به تصمیمی نرسیده‌اند.

«**شکارچیان ماه**

»شکارچیان ماه» محمدرضا بیارمی دی‌ماه سال گذشته به بازار نشر رسید؛ کتابی که حادثش در فضای پس از جنگ رخ می‌دهد. درواقع در این کتاب حوادث دفاع مقدس را از زبان نگهبان یک شرکت تعطیل‌شده در اطراف هور می‌خوانیم. شخصیت اصلی در موقعیتی خاص، مشغول نگهبانی از تأسیسات شرکت است و به تشریح وضعیت هور در دوران جنگ می‌پردازد.

«**مستوری**

»مستوری» نوشته صادق کریمیار، رمانی درباره زندگی شهید زین‌الدین است. کریمیار، نویسنده کتاب «نامیرا» در این اثر با یک شروع دراماتیک سراغ زندگی و خانواده این شهید دفاع مقدس رفته است. او در این رمان پر از پیام وارد موضوعات حساس روز جامعه شده و سیستم مدیریتی آن را نقد کرده است. او این سیستم را در زمان حال و گذشته با هم مقایسه کرده است. چه رخ می‌دهد که نظام مدیریتی گذشته نیروهایی مخلص مانند شهید زین‌الدین را پرورش می‌دهد و در زمان حال، آدم‌هایی مثل دکتر خسروی کتاب را.



چهارشنبه ۷ آذر ۱۴۰۳



شماره ۴۲۹۰



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE